

افراسیاب خلعت‌بری

رئیس شعبه ۱۰ دیوان عدالت اداری

حفظ سلامت دستگاه قضا بستگی به حسن انتظام آن دارد

تجربیات تاریخ همواره بیانگر این واقعیت و حقیقت است که حفظ سلامت دستگاه قضا بستگی به حسن انتظام آن دارد و در پرتو و سایه اجرای عدالت صحیح قضائی است که نظم و امنیت اجتماعی در جامعه برقرار و پرچم عزت و سربلندی بر بلندای آسمان انسانیت برافراشته می‌شود.

آنچه مسلم است درجه تمدن یک ملت از روی ارزش دستگاه قضائی آن سنجیده می‌شود و نظام هر حکومت حفظ احترام دستگاه قضا را طلب می‌نماید. از نظر جامعه قاضی امین مردم بوده و وظیفه او دقت و مراقبت در حفظ و نگهداری این امانت است در تمام ادوار تاریخ قضاوت مقامی بسیار برجسته و قابل احترام را در اجتماع دانسته‌اند و این مقام هم برای هر کس و هر شخص میسر نیست تا هر کس بخواهد بتواند قضاوت نماید. در نظام‌های دینی قضاوت مختص انبیاء و جانشینان آنها است و اگر کسی بخواهد قضاوت نماید باید حتماً از طرف آنها به این سمت منصوب شود و کسی را نمی‌رسد که بدون نصب نبی یا امام شاغل چنین مقام مهمی گردد گرچه همه شرایط را دارا باشد.

○ واژه قاضی و جایگاه او از نظر اجتماع

قاضی واژه‌ای است مقدس و از نظر مردم جامعه مقامی بسیار برجسته و قابل احترام است زیرا وی تنها کسی است که چون بر مسند قضا نشیند هر ستم‌دیده و مغبون و دردمندی به منظور استغاثه و استمداد به او پناه می‌برد و این او است که باکمال صراحت و قاطعیت و به مقتضای عدالت باید احقاق حق نماید و از ضعفا و ستم‌دیدگان در برابر

اقویا و ستمکاران حمایت بی دریغ نماید و همه را به یک چشم نگاه کند. نه قدرت و بزرگی قدرتمندان و نه زر و زور زرداران و زورمندان او را مرعوب سازد و نه ضعف و ناتوانی زیردستان موجب بی‌اعتنایی او شود. بنابراین قضاوت یک شغل معمولی و یا عمل خودسرانه نیست تا هر کس بخواهد بتواند قضاوت نماید، قضاوت ایمان، استعداد، لیاقت، توانایی، معلومات قضائی و از همه مهمتر وجدان پاک و شرافت و نجابت می‌خواهد. امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام که خود مبین مقاصد و مبشر اهداف شریعت اسلام است برای قاضی همواره یک شأن برجسته و ممتازی را در نظر داشته که بایستی این شأن و منزلت در همه احوال حفظ شود تا موجبات بزرگداشت، احترام، اولویت و رجحان او در جامعه فراهم آید به همین سبب و انگیزه در فرمان خود به مالک اشتر راجع به این اصل چنین توصیه و سفارش فرموده‌اند:

«قاضی را در قلمرو فرمان روائیش آنچنان مقام و منزلتی بخش که هیچ یک از خواص و نزدیکان تو در آن منزلت و مقام طمع نبندند تا در اوج آن مقام شامخ از اندیشه مکر و سعایت بداندیشان ایمن باشد و سخن چینان را فرصت فتنه‌انگیزی درباره او دست ندهد.»

بنابراین از این گفته بزرگ چنین نتیجه گرفته می‌شود که هر قدمی در جهت رفاه و آسایش قاضی برداشته شود به نوبه خود مؤثر در حسن انتظام امر قضا و اجرای عدالت بوده و سلامت دستگاه قضا را به گونه مؤثری بیمه خواهد نمود.

○ رعایت احترام به اصل استقلال قضات

بررسی تاریخ قضائی اسلام همواره بیانگر این واقعیت است که اصل استقلال و احترام قضات در کلیه قرون و اعصار محترم و مرعی بوده و حتی در طوفانهای اجتماعی و انقلابات سیاسی که وزراء و رجال مقتدر مملکت دستخوش مصادره اموال و یا گرفتار زندان و شکنجه و اعدام می‌شدند استقلال و احترام قضات همچنان محترم و محفوظ و مصون از هر گونه گزند و تعرض بوده و کمتر اتفاق افتاده که به قضات بی‌احترامی و یا آسیبی رسانده شود.

○ عدم توجه لازم به دستگاه قضائی

متأسفانه یکی از بلائی بزرگ قرن اخیر این است که در اکثر کشورهای جهان سوم به دستگاه قضائی چندان توجهی نمی‌شود و همیشه سعی گردیده که به نحوی از انحاء این مرجع تظلم عمومی را که یکی از شاه‌رگهای حیاتی هر اجتماع به شمار می‌رود تضعیف و مرعوب نموده و آن را چون آلتی بی‌اراده تحت قدرت خود درآوردند در حالی که این رویه تصوری باطل است و حکومت هر قدر مقتدر و توانا باشد تا دستگاه قضائی قوی و آبرومندی نداشته باشد نمی‌تواند طلب اعتماد عمومی نماید و جلب اعتماد عمومی هم با تبلیغات بی‌پایه و میان تهی نتیجه معکوس دارد.

در دنیای امروز استکبار جهانی با تمام قوا می‌کوشد که در جهان سوم هیچ حکومت مستقلی به وجود نیاید و اگر هم آمد به هر طریق که شده می‌خواهد آن را وابسته خود نماید. دشمنان هر نظام می‌خواهند که آن نظام تضعیف شده قدرت را به آنها بسپارند و همه نیروی خود را به کار می‌گیرند که زودتر به هدف خود برسند بدیهی است توفیق یا عدم توفیق دشمنان اعم از داخلی یا خارجی به حسن تدبیر و یا سوء تدبیر مسؤولین بستگی دارد. دشمن می‌خواهد نظام اداری و خصوصاً نظام قضائی ما فاسد و ناتوان و بی‌خاصیت باشد تا مردم از انقلاب و نظام ناراضی و مأیوس شده و از صحنه خارج شوند پس بر متولیان امور مملکتی و خصوصاً مسؤولین قضائی فرض و لازم است که با حاکمیت صحیح، نظام اداری و قضائی منسجم و منزهی را به وجود آورند که از هر نظر واقعاً خدمتگزار مردم باشند و هر روز بر طرفداران انقلاب افزوده شود نه این که شعار خدمتگزاری داده شود ولی فریاد مردم از سوء رفتار کارگزاران بلند باشد.

○ عدم رضایت مردم از دادگستری

بدون تعارف باید این حقیقت تلخ را بپذیریم که مردم از دادگستری آنچنان که باید و شاید رضایت لازم را ندارند و اعتماد و اطمینانی را که لازمه آن است نسبت به آن پیدا نکرده‌اند و حتی در بعضی موارد ترجیح می‌دهند که ستم ستمگران از خدا بی‌خبر را تحمل کنند ولی سر و کارشان به دادگستری نیفتد و این مطلبی است که تصور نمی‌رود

کسی منکر آن باشد. این موضوع را به کرات شنیده‌ایم و یا اساساً عقیده بر این است که دادگستری قانون را نمی‌تواند در مورد اغنیاء و زورمندان کاملاً اجرا نماید و حتی این گفته در کوچه و بازار از زبان مردم شنیده شده و می‌شود که ای بابا قانون فقط برای بدبخت‌ها و بیچاره‌ها و آفتابه‌دزدها است و خلاصه به این نتیجه رسیده شده که اعتماد مردم از دادگستری سلب شده و قوه قضائیه آن اعتبار و اعتمادی را که مردم از آن تصور دارند در بین جامعه ندارد. بدیهی است این بی‌اعتقادی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضا تنها مربوط به امروز و دیروز نیست و یک علت به تنهایی نمی‌تواند موجب این همه نارضایتی و بدبینی گردد بلکه عوامل متعددی دست به دست هم داده و چنان موقعیتی را برای دستگاه دادگستری پیش آورده که اعتبار و حتی استقلال دستگاه قضا را زیر سؤال برده است.

آنچه برای همگان روشن می‌باشد این است که دادگستری در طول تاریخ قضائی خود همیشه کم و بیش مواجه با این نارضایتی‌های مردم بوده و در حال حاضر هم فارغ از این خصوصیت نیست. قسمتی از این نارضایتی‌ها باید باشد و در آینده هم باقی خواهد ماند زیرا طبع کار قضا اقتضا دارد که دادگستری برای حفظ مصلحت عامه علیه عده‌ای حکم صادر کند و این محکومان هرگز مدعی کمال دادگستری و نقص خود نیستند و بعد از این هم نخواهند بود و قسمت دیگری از نارضایتی مردم علل منطقی و موجهی دارد که باید مسئولین نظام و قوه قضائیه با قاطعیت در رفع آن بکوشند.

○ تبلیغات سوء علیه دادگستری

به طور کلی باید اذعان داشت که از خارج همواره چند دسته علیه دادگستری تبلیغ و اقدام می‌کنند یک دسته آنهایی که حق دارند و به حق خودشان نمی‌رسند و یا خیلی دیر می‌رسند. دسته دوم کسانی هستند که جاهل به مقررات هستند. دسته سوم افرادی هستند که مغرض بوده و پیوسته در مقام دستاویز برای ریختن زهر خود علیه دادگستری و اکثر قضات شریف آن می‌باشند. دسته چهارم که بیشتر از عوامل دیگر در تضعیف قوه قضائیه مؤثر بوده و هستند دخالت‌های ناروای افراد غیرمسئول در امور دادگستری

می‌باشند و علت آن هم این است که منافع آنها ایجاب نمی‌کند که دادگستری را به حال خود بگذارند. افراد غیر مسؤول به اتکاء قدرت کاذب و به وسایل مختلف عقیده و نظر خود را به دادگستری تحمیل می‌نمایند و قضات هم چون امنیت مستقلی ندارند به هیچ وجه توانایی مقابله با آنها را ندارند و در نتیجه به لحاظ عدم امنیت شغلی مستأصل از اجرای قانون بوده و در میدان قضاوت و داوری جرأت اظهار نظر قضائی برای احقاق حق پیدا نمی‌نمایند و بالتیجه فرصت جلب اعتماد عمومی را از دست داده، دستگاه قضا را تضعیف و کار قضا به بن‌بست کشانیده می‌شود.

○ دادگستری و قضات آن در عرصه داوری همواره نیاز جدی به حمایت دارند

آنچه مسلم است این که دادگستری در رسیدن به اهداف خود و دست‌یابی به عدالت واقعی نیاز جدی به حمایت دارد. به طور کلی وظیفه اصلی دادگستری احیا حقوق مردم بهادادن به حکم قاضی است. وقتی قاضی می‌بیند که دربارهٔ یک پرونده زحمت فراوان متحمل شده و مدتها وقت صرف آن نموده تا به کشف حقیقت نایل آمده و سرانجام با دخالت‌های غیرمسئولانهٔ افراد فرشته عدالت از اجرای وظیفه بازداشته می‌شود طبعاً ناراحت و ناراضی می‌شود و اظهار عدم رضایت می‌نماید. متأسفانه از درد و رنج و مشکلات روزمره قضات نه مسؤولین نظام و نه دست‌اندرکاران رده بالای قضائی هیچ گونه اطلاعی ندارند و علت آن هم این است که اغلب از مسؤولین مزبور خود قاضی نیستند و یا در عمل کار قضائی انجام نمی‌دهند تا درد قاضی بودن و مشکلات فراوانی که همواره در مسیر آنها قرار گرفته لمس نمایند و یا این که واقعاً همهٔ مشکلات را می‌دانند ولی برای رفع آن چندان اهمیتی قائل نیستند و به همین سبب است که جامعه به عملکرد قضات در میدان داوری و عرصه قضاوت خوش‌بین نبوده و در هر کجا که سخن از دادگستری و قضاوت به میان آید از او به نیکی یاد نمی‌گردد. باید اعتراف داشت که امروزه با ایجاد دادگاه‌های عمومی حجم کار و گرفتاری یک رئیس یا دادرس محکمه را جز خود او نمی‌تواند درک کند. فشار کار روزمره، دخالت‌های بی‌مورد و ناصواب بعضی از افراد غیرمسئول، عدم احساس امنیت شغلی حجم روزافزون پرونده‌ها و سایر مشکلات دیگر تا حد زیادی استقلال رأی قاضی را خدشه‌دار نموده است و آنان را تقریباً به

عناصری مطیع و تابع سلسله مراتب سازمانی در آورده است. به طور کلی برای جلوگیری از این ناروایی‌ها باید در سازمان قضائی کشور ترتیبی داده شود که در همه احوال امنیت شغلی و استقلال قاضی حفظ شود و هیچ گونه اعمال نفوذی قادر به تضعیف امر قضا نگردد و توقعات بی جا و بی منطق به کار قضا لطمه وارد نسازد.

○ پاکسازی محیط دادگستری از آلودگی‌ها امری است که باید همیشه و به طور مستمر وجود داشته باشد

در دستگاه قضا ضمن حفظ استقلال و امنیت شغلی قضات باید پاکسازی محیط آن از آلودگی‌ها همیشه و به طور مستمر وجود داشته باشد و اعمال قضات و کارکنان اداری باید به صورت مخفیانه مورد مراقبت و نظارت دقیق قرار گیرد ولی شیوه برخورد در این زمینه باید به نوعی باشد که چهره قضا را خدشه‌دار ننماید. اصولاً وقتی ریاست محترم قوه قضائیه به قاضی حکم می‌دهد که به امر قضا پردازد باید ضمن نظارت دقیق بر اعمال وی از او در جای خود حمایت لازم را بنماید و نباید بگذارد که حریم قاضی و قضاوت با ایجاد جوسازی مورد تهاجم افراد غیر صالح یا افرادی که اطلاع از قانون ندارند قرار بگیرد. در مقابل میز عدالت و قانون اصولاً نباید بین قوی و ضعیف وجه امتیازی وجود داشته باشد بدون تعارف باید گفت که در دستگاه قضائی ما به هیچ وجه تاکنون قاضی و قضاوت در جای خود قرار نداشته و فاقد آن معنا و احترامی است که در کشورهای راقیه جهان وجود دارد. با کمال تأسف باید گفت با آن همه تغییرات و تحولاتی که در سیستم قضائی داده شده تاکنون دادگستری ما توانسته با عظمت انقلاب و شأن و شخصیت مردم کشور ما و خواست رهبر معظم انقلاب حرکت نماید. مسامحه کاری در حرکت و تحول امر قضا، بی توجهی به وضع معیشت قضات و کارکنان دادگستری، بی حرمتی به اجرای قانون و احکام محاکم و عدم اعتنا به دستورات قضائی و بی اعتنائی به خواسته‌های قانونی وکلا در امر وکالت چهره قضا را خدشه‌دار نموده است که لازم است در این راستا با هم‌آهنگی و هم‌فکری موانعی که در سر راه وجود دارد برداشته شود و در چهارچوب قانون عمل گردد تا اقتدار قوه قضائیه حفظ گردد.

○ رواج اختلاس و ارتشاء در دستگاههای دولتی

تورم شدید اقتصادی و هزینه کمرشکن مسکن و خوراک و سایر مایحتاج زندگی موجب کاهش توان و قدرت خرید عموم مردم و بخصوص کارکنان دولت که دارای درآمد ناچیز و حقوق ثابتی هستند گردیده و در نتیجه بر اثر اضطراب بسیاری از کارکنان صديق و سالم دستگاه اداری به انحراف کشانیده شده و موجب رواج اختلاس و ارتشاء در دستگاههای دولتی گردیده و متأسفانه تاکنون هیچ اقدام مؤثر و کارساز و یا چاره‌اندیشی در جهت رفع این معضل اجتماعی و آفت اداری صورت نگرفته و هیچ‌گونه قدم مثبت و سازنده برای رفاه کارکنان دولت برداشته نشده و سازمان قضائی کشور هم متأسفانه از این آفت مهم در امان نمانده است. به علت فشار زندگی کم‌کم و به تدریج دارد قبح این اعمال خلاف اخلاق و اجتماع از بین می‌رود. به طوری که همه می‌دانند امروزه رشا و ارتشاء به صورت یک امر طبیعی درآمده و تمام مسؤولین نظام هم کاملاً از این آفت اجتماعی با اطلاع هستند و متأسفانه هیچ‌گونه اقدامی در جهت رفع این آفت نمی‌نمایند. حقوقی را که دولت به یک کارمند می‌دهد آیا کفاف ده روز زندگی او را می‌دهد. کارمندی که با ماهی ۳۰ الی ۵۰ هزار تومان برای دولت خدمت می‌کند و از ممر این درآمد حداقل ماهی ۶۰ الی ۷۰ هزار تومان کرایه مسکن می‌پردازد آیا انتظار و توقعی جز این باید باشد. چرا مسؤولین نظام از این مسائل با اهمیت بی‌تفاوت می‌گذرند و خصوصاً نسبت به کارکنان دستگاه قضائی که از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است توجه و عنایت لازم را ندارند در صورتی که توجه به تأمین معیشت کارکنان دولت و به ویژه قضات که با جان و مال و حیثیت مردم سر و کار دارند باید در سرلوحه برنامه دولت باشد تا ضریب فساد در سازمانهای دولتی بالا نرود.

○ برای حفظ انتظام و سلامت دستگاه قضا چه تدبیری باید اندیشید

اگر ما خواهان عدلیه‌ای قوی و منزه هستیم و اگر برای قاضی که وظیفه سنگین و طاقت‌فرسای قضاوت را به عهده دارد اعتبار و آبرو قائل هستیم باید با تمام قوا در حفظ سلامت و حسن انتظام آن بکوشیم و با استفاده از نظرات قضات و وکلای صاحب‌نظر دادگستری و اساتید دانشگاه نسبت به تهیه برنامه‌های اساسی و تدوین قوانین و اصلاح

آن اقدام و با گماردن افراد توانا و صالح و با دانش در امور قضائی اجتماع را به حفظ احترام دستگاه قضا و ادار نماییم. آنچه مسلم است در حال حاضر نظام قضائی ما از نظر اداره آن بیمار است و یک تحول اساسی و دگرگونی جدی را طلب می نماید.

به طور خلاصه برای این که دستگاه قضائی از اعتبار و عزت لازم برخوردار گردد در درجه اول دولت و مأمورین آنها در هر رتبه و مقامی که هستند باید الزاماً مقام و موقعیت و استقلال مطلق دادگستری را به رسمیت بشناسند و به آن بها و اعتبار بدهند. در درجه دوم باید از هر اقدام و یا امری و حتی گفته ای که به نحوی از انحاء موجب تضعیف دستگاه قضا می گردد و یا آن دسته از قضات پاک و شریف ما را نگران و آزرده خاطر و یا به انجام خدمت صادقانه دلسرد و ناامید می سازد جداً پرهیز گردد. همواره به این نکته توجه داشت که دادگستری تنها ملجا و پناهگاه ستمدیدگان بوده و باید به صورت جدی در اعتبار و سربلندی و تقویت و جلب اعتماد مردم نسبت به آن تلاش خستگی ناپذیری را دنبال کنیم و جلو عواملی که آگاهانه و یا از روی جهالت از داخل و خارج و به نحوی از انحاء به آن لطمه وارد می سازد بگیریم. از آن دسته از قضات شریفی که همواره پشتیبان حق و عدالت بوده و به منظور حفظ حقوق مردم از هیچ مانعی نهراسیده اند و با کمال شهامت و عزت نفس در مقابل هوی و هوس و یا سیم و زر مقاومت و سرسختی نشان داده اند و سر تسلیم فرود نیاورده اند جداً حمایت کنیم. این نکته را هرگز از یاد نبریم که دادگستری و قضات آن باید سنگری مستحکم در جهت احیای حقوق مظلومین باشد و هر کس هم که قصد اصلاح دادگستری را دارد باید در این جهت سیر و حرکت نماید که استقلال قوه قضائیه را محکم تر کند و قدمی بر ندارد که استقلال قوه قضائیه خفیف گردد و یا این که خدای نخواسته به آن خدشه ای وارد شود بلکه باید بر فرض وجود عیب و نقص از طریق معقول و منطقی و قانون نسبت به رفع آن اقدام گردد.

○ چه وقتی عدلیه اصلاح خواهد شد

اصولاً عدلیه وقتی اصلاح خواهد شد که اولیاء امور واقعاً اصلاح آن را بخواهند و به قدرت قانونی و استقلال آن صمیمانه کمک کنند و یا لاقلاً نسبت به آن کارشکنی نمایند. زمامداران عدلیه باید قضات را از نفوذهای خارجی حفظ کنند و مراقبت نمایند

که قوانین درست و بدون تبعیض در همه جا اجرا شود. قانون اساسی عدالت اجتماعی و حقوق ملت را به کفایت در بردارد. باید سعی شود که اجرای قوانین منطبق با اصول قانون اساسی باشد و جاذبه حرمت و اعتبار آن به گونه‌ای باشد که همه افراد جامعه به حکم وظیفه شرعی و قانونی و اجتماعی خود را ناگزیر به اطاعت از آن بدانند و دستورات آن را بدون کمترین مخالفت و مقاومت صمیمانه به مرحله اجرا درآورند. قانون اساسی در کشور ما ضامن رژیم و دین مبین این مملکت است و اگر هتک این حرمت بشود. هیچ اصلاحی نضج نمی‌گیرد و پایدار نمی‌شود و برای احدی امنیت باقی نمی‌ماند. مملکت ایران می‌تواند در این دنیای آشفته با حکومت قانون به پیش برود و مراحل ترقی و تکامل را طی نماید. به هر تقدیر برای این که دادگستری در روند خود به عدالت واقعی نزدیک شود باید مقام و موقعیت دادگستری و قضاوت را که در اسلام تالی مقام خلافت شناخته شده به خوبی تمیز داده شود و از سیاست و فعالیت‌های اجتماعی و گروهی به کلی برکنار باشد. بر اولیای امور و خصوصاً بر سران محترم سه قوه فرض است که با همدلی و هم‌فکری در جهت اعتبار و سربلندی و اقتدار و عزت دستگاه قضائی چاره‌اندیشی‌های لازم را بنمایند و برای اعتلا این دستگاه عظیم از هیچ گونه کوششی فروگذار ننمایند و به منظور حفظ انقلاب و بقا رژیم اسلامی که همواره با خون شهدای گرانقدر آبیاری گردیده به دادگستری عزت و اعتبار ببخشند تا قضات آن بدون هیچ گونه بیم و هراس قادر به تأمین حقوق تضییع شده افراد و حفظ ثبات جامعه براساس موازین عدل و انصاف باشند و نگذارند که این پایگاه مردمی و این مرجع تظلم عمومی که چشم همه مردم به عملکرد آن در تمام سطوح دوخته است به پیکری ناتوان و علیل و بی‌خاصیت تبدیل گردد که به سود جامعه و نظام و هیچ کس نیست.